

نویس

سال چهارم، شماره ۶۵، شنبه ۲۳ دی ۱۳۵۷ (وابسته به حزب توده ایران)

بسوی يك كودتای خونین می رویم؟

کمترین عبارتی علیه مصالح امپریالیسم جهانی و ارتجاع درنده و هارداغی از نهادیده شود تا چه اندازه قابل اطمینان است؟  
 شاه چه باشد، چه نباشد، ما شین دولتی ماخته و برداخته و نوم نظم فدملی و دموکراتیک اوسر خاست، گمرد که این ماشین به اشاره امپریالیسم موقتا حرکت خود را متوقف یا تعدیل کند. ایمن واقتصاد میان به درستی مرکز به نگاشته و بیح پچه ها و گمان زنی ها دربار کودتای احتمالی آید است، کودتایی که اگرچه با توجه به گستردگی سی سابقه و عمق جنبش انقلابی شانس چندان بسیاری بیروزی کامل ندارد، اما این حال می تواند ضایعات وزم های تازه ای برای مردم به ارفغان آورد.  
 اگر ما گس مدل می نگردیم، نهاد ام شین دولتی آن فروری است که منابع کارگران و دهقانان انجام می دهند و آنها را با یکدیگر مینماید می سازد و مقابل آنها و طبقه مشترکی قرار میدهد که عبارت از برانداختن "انگل" و نهوشی آن است یک چیز تازه "در مملکت ما شوه موقدا تی فروری متر خرد کردن ما شین دولتی به معنای از برانداختن عطر بورش های ناگهانی استرجاع و کودتای ها جو را جور و مدامی و طراخی انواع توطئه ها و خصمه گری های سیاسی و نظامی است. تا وقتی محتوی رژیم به دیکتاتوری عمدتاً دست نغورده باقی مانده، هیچ چیز به طور اساسی تغییر نگردیده است، گمرد که به حال خود بماند و او و بوزگاریها، بخشا رها ظاهر شود در عرض دعوی آزادی و دموکراسی شتابه دیگری سار توسط شریف امامی ها، ادعا های شتابه دیگری سار قسم و آیه های سوزناک به گوش رسد. لکن در جمیع بست تحریکات رانبار انقلاب ۱۹۰۵ اروسه، قانون نام همه انقلاب ها را در بر می آید که کتابیه:  
 "لطمه وارد ساختن و محدود کردن دایره حکومت استبدادی کافی نیست. باسد آن را نابود کرد. با مادام که حکومت نزاری (مکوثاه) نابود نشده، گدشت های تزار (شاه) هواره نابا بسدار خواهد بود. هرگاه قضا و انقلاب شدت بافت تزار (شاه) گدشت کرده است و وفقی این فشار ضعیف شده، شام گدشت ها را بر سر گرفته است. فقط به کف آوردن جمهوری دموکراتیک، و ازگون کردن حکومت نزاری و انتقال قدرت به دست مردم می توانستیم عمداً از دولت، از جنگ فعال سیاسی عمداً از دولت، از جنگ با ندهای سیاسی ... برهانند.  
 (مقاله در سبای انقلاب)

...شرط مقدماتی هر انقلاب خلقی واقعی این است: ما شین بوروکراتیک و نظامی از دسترس به دست دیگری داده شود، بلکه درهم شکسته شود... (مارکس نامه به کوتلمان)

و هر گس به هر بیانه نوبا هر پویش و عنشوان سخوا هدا و خرد شدن ما شین دولتی رنگ زده، در میان بنده های توانای انقلاب ایران جلوگیری کند، با در راه این و طبقه سنگ بسپارند، با حتی این طبقه حیاتی - و مقدما تی - را از شوه ها بیرون اندویسه نخوی مخدوش جلوه دهد، تنها شوسفیک نام است: ضد انقلابی... و خدا شوسفیک یک معنی دارد: ضد مردم...  
 تا بیروختیاریکی از این طراران ضد انقلابی است.  
 نخست وزیر که می خواهد از گذشته که خود بر سر راه از غلظت های آنها و سوال است - شغل و جا هت ملی - بسا فویندوش بسپارند، برانست که شاه را فرار بدهد، تا رژیم ا و راحف کند، ما شین دولتی استداد را تغییر نوسازی کند، تا از در هم شکسته شدن آن پیش بگذرد، در برابر انقلاب نظم کند و منحرف آن را بگوید، تا از بیعت به آن خسر بریزد، در انقلابی تری و زلزله عزیزترین شرایع اجضا می که شده های میلسونی با شامت افسانه ا و آگاهی سیاسی بر نیرویی قیام کرده اند، با اصلاحات نیم بسنده که آمیخته با انواع زد بندهای پشت پرده است - برآش انقلاب ایدئولوژیک او در همان حال که رویه مردم می گوید: "فقط دوام به من سهلت میدهد" خطایش به امپریالیسم و سازمان و شرکاء رژیم در دستگا های اداری و نظمی است که "دوام خود می خواهم تا این مردم انقلابی را که به چیزی کمتر از یک نظم ملی و دموکراتیک قانع نیستند، رام و آرام کنم". اما همین مردم ساده که آگاهی شان، قوت آنهاست، با یوز خندنا ساری می پرسند: بدون واگون کردن و ایدئولوژی ما شین دولتی که استبداد فدملی برای حفظ و حراست خود ایجاد کرده است، رسیدن به آرمانهای ملی و دموکراتیک چگونه ممکن است؟  
 لکن می گوید: بهترین مصلحت ما شین دولتی وجود دستگا ه است: دستگا های اداری و ارتش دانشی، نخست وزیر مدعی آزادی و آوازه های با حفظ مجلسین رستا خیزی، در باره زجر چتر نشین برای سلطنت، سازمان قضایی و کوشش در برابر قوانین فدمردمی که دست بیخشا شیری های درباری و سیستم بوروکراسی عمر استداد او بسته به امپریالیسم نشان دادند با گسی رنگ و لعاب بیخشا داری، ما شین دولتی گدیده و گرم خورده گذشته را، زبر مال حمایت و تا شید خود گرفته است.  
 اما در مورد دستگا نظامی رژیم...  
 ساواک اسی مانحلی خود را در عمل حفظ خود، تقسیم وظایف و امکانات این سازمان را جمعی و شرورگر ریخته های درباری... (سازمان جاسوسی آمریکا) و دستش در دست "مواد" (سازمان جاسوسی و جاسوسی و... ا شرا شیل) و سرش در او غور استند سلطنتی و فاسد ترین قشرا ی طبقه حاکمه است، در میان سازمان های دیگر خود و اداری از تفکیک و بی حاکمه سزاران در خیم و مشول و عامل بی شکازان که سال های سال در این سازمان گدشتی را با اختیار و ات های محدود و نیلک ترش جنات با مداسانی وار تریک شده است، و طبقه هرا پرورده و مدارک سه اطلاع حرم که با اعتراض پرورده و حیسانه ای اقدام دشمن جینی علیه مآزرترین و شریف ترین فرزندان این طوری بر مردم آمده، اشاد این واقفیت است که با او یک به خاطر برآش این تغییر تاک داده و متضاد است شریف و مقتضیات مدعیان تحددیما زمان می کند.  
 در ارتش و نیروهای نظامی نزدیک ترین ووفا دار ترین نوجه های شاه در این قدرت قرار گرفته اند، شغل وزارت جنگ توسط از خیم شناخته شده ای نظیر ارتشد شکفت، ززال اجودا و مخصوص شاه گنه دستش تا ارتج به خون مردم دلاور آزادی بان اولده است، ریاست نیروی زمینی توسط غلاما بره مصر و شاه مهید برداری، فرمانده ساسق کار دغا و دان، نیروی هوایی به وسیله سهدی رسی که در دستدوری و قضاوت در ارتش عرب المثل است، ریاست ستاد ارتش توسط تنگ حال دربارا ارتشد فرم با عسری، فرمانده هواسرو توسط اگدکن معلوم العالی نظیر خسرو داوود خیره و غیره، و صوح نشان می دهد که ارتش به طور درستی به مجلسین تریس بهره های رژیم شاه سپرده شده است. ارتشی که موامع کلیدی آن هواره در میان سلطنت شاه با سکی در دست سنناران و کارنسانان آمریکایی بوده و با تربیت و روحیه آمریکایی ساز شده است، تنها برای مردم، حتی برای محسا روحسنا رها - آجا که احبا سا

ماهیت انقلاب ما و مسأله انحصار طلبی

انقلاب ما که اینک با مستقر شدن خود همگامی کارگردار سرنگوهای مقدم آن هم و پی گیری مستغنی و محتوی حاصل پذیرتربنی یافته است، انقلابی است خلقی با مضمون ملی و دموکراتیک، دموکراتیک است چون وسیع ترین طبقات و اقشار خلق از کار گران و دیگر زمینکنان گرفته تا بورژوازی ملی، که استبداد سلطنتی (آن هم با بدترین شکلش که دیکتاتوری فرگشت) آنها را به خفقان انداخته بود، در آن فعالان شرکت دارند، هر یک از این طبقات و اقشار با هوات های دموکراتیک خاص خود به میدا تا می دهند، انقلاب مادر ضمن خلعت ملی دارد، یعنی ضد امپریالیستی است و برای برادشتن بوغ استبداد سلطنتی از گردن مردم نیاز به استبداد دره ها و تکیه های اقتصادی و سیاسی استبداد که درهم پیوسته می گاهد همه جانبیه با امپریالیسم است، فرسه های قطعی و سرشوت ساز برزند، استداد مطلقه درست به دلیل بی باگهای این در جامعه ما، به دلیل تزاروی سیاسی و فتنه ایکنی اقتصادی، به دلیل این که اقتصاد ملی را به صورت زائدادی از اقتصاد امپریالیستی در آورده، با همه وجودش به دامن امپریالیسم افتاده است. از طرف دیگر تاریخ شدن اقتصاد ملی به مصالح و سیاست های اقتصادی امپریالیستی با بی بیورگی و خفقان نیروهای مولده جامعه مانده است. اشتکاس این خفقان اقتصادی در رویهای جامعه، خفقان سیاسی را ایجاد می کند. از این رو جدا کردن استبداد از امپریالیسم، جدا کردن مبارزه در راه دموکراسی از مبارزه ملی در راه قطع غارت و حضور امپریالیستی در همه اشکال اقتصادی، سیاسی و نظامی آن، در نهایت نشناختن وظایف انقلاب و معا یینه دیدن است، این اشتباه ایکنی است که با راهی از مبارزان از درون ستر بورژوازی ملی و ستر بورژوازی به آن مبتلا شده است.  
 انقلاب ایران در همین حال یک انقلاب خلقی است لکن ویژگی های انقلابات خلقی را با دقت همگانه جنبه ای این طور توصیف می کند:

توده های خلق، اکثریت عظیم آن، یعنی ژرف ترین قشرا ی پا شینی، جا همه که پشتیان در زیر پرشم و اشتها ردو تا شده، مستقلا بر آدمی گدند و در تمام جریان انقلاب نیرویشان خواست های خود و شتالش های خود را که هدفش بنای جامعه نهوشی به دست خود، به جای جامعه منهوشی شونده است، باقی می گذارند. (دولت و انقلاب)

درست به دلیل خلقی بودن انقلاب ما که هر گونه انحصار طلبی در آن، هرگونه کوشش عمدی و مکانیکی در این زمینه که شعارهای و اخلاقیاتش در جریان خواست، اراده و آرزوی گروه، قشر یا طبقه معینی است به کل آن تحصیل شود، برخلاف انتظار ما سده لو جان، آن را تضعیف می کند. ایمن پیام لکن به "طبقات گوناگون مردم نسبت به مبارزه برای آزادی روش های مختلفی دارند و هدف سیاسی آنان آزادی های گوناگونی است" گوئیدی تحلیل دقیق آن واقفیت میهن ما است که کارگران قهرمان منابع نفت با اقدام و یغن خود در دو هفته گذشته کار را تصرف کرده اند. کارگران صنعت نفت با تاکیدی معینی روی این مساله که "هیهران جنبش باید چنان شرایع را فراهم آورد که شمار های ویژه کارگران در نظرات و راه پیما پی های و تضایفات رژیم سیاسی صبری کنار زده نشود، موجودیت مستقل طبقه خود را با خواست ها و آرمان های ویژه خود در جنبش انقلابی مردم میهن ما بسازد آوردند. اگر به تصریح هیهران مذهبی گسوی استداد در دست کارگران نفت است اگر خورنده زد سیک به وسیله یون کارگران معینی در کانون میبارزه انقلابی مردم به انقلاب آن توانایی را داده است تا ندهای ارتجاع و امپریالیسم را یکی پس از دیگری درهم بشکند و طموار رژیم در هم بشکند و آن را عملی نماید، چگونه می توان با نظر به تضایفات و هدف ها و آرزوهای کارگری، با اقدامات مستبدانه ای نظیر بهره گردن اعلامیه های جینی و کارگری، با شین کشیدن شعارهای ویژه این طبقه و سازمان ها و حزب سیاسی آن در نمایت های بانسی و تحمل شعارهای خاص به مجموع جنبش که کارگران مهمترین اندام های آن هستند، مقابله کرد و در عمل وجود سایر طبقه در انقلاب انکار نمود؟ طبقه کارگران ایران ارتجعه از نظر عدوی هم بزرگترین نیروی طبقاتی جامعه ما است. آنها که در کنار و با ستا های خود میخوانند این نیروی عظیم انقلابی را، که بدون انقلاب به همین سقت شده ای بدل خواهند شد به یک سده ل روی گور و گورال - بی کسربا می لشکر در زیر علم و کشل قشرا و طبقات دیگر رینه بر همه

پرولتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه سلاحی جز سازماندهی ندارد؛ رسن

# اعلامیه نظامیان پیشرو و خواستار آزادی و مساوات

اعلامیه ای که در زیر می آید از سوی گروه نظامیان پیشرو و دموکرات که خواستار آزادی و مساوات هستند و برپه می خوانند روزنامه خود با خلق های قهرمان ایران تا کدی می روزند و خواهان برقراری حکومت ملی و دموکراتیک می باشند. به دست ما رسیده که نظریه اهمیت، متحرکات آن را چاپ می کنیم. (توضیح)

اعلام می داریم به کلیه مراجع بین المللی و مدافع حقوق بشر، به کلیه سازمان های مترقی و پیشرو به کلیه کسانی که حفظ آن پایمال می شود، به کلیه سربازان، درجه داران و افسران و افسران ایرانی که هرگز نتوانستند از جان خود بگذرانند و همیشه مجبور به سکوت بوده اند به کلیه سربازان و افسران ایرانی که هرگز نتوانستند از جان خود بگذرانند و همیشه مجبور به سکوت بوده اند به کلیه سربازان و افسران ایرانی که هرگز نتوانستند از جان خود بگذرانند و همیشه مجبور به سکوت بوده اند...

بخواهید که توسط نازی ها و کمن سن و کمن راشو... که توسط امپریالیست های خونخوار آمریکا می درکشور قهرمان و بیخام و اوین و قاصود آباد... که توسط شاه، ساواک، سپاه و کنگول توسط تنگناست حکومت و فرمانداری های نظامی برپا شده و موفته ایم و همدردی خود را با با نظامیان زندانیانی که در این تکجه گاه ها جان خود را از دست داده اند اعلام کرده و اجازه نخواهیم داد که در این تکجه گاه ها اسیر شده و بازمان و دختران و کودکان خلق ما مثل ورتنام، شیلی و نیگاراگوئه رفتار شود.

ما این را می دانیم که ما شین جنگی سپهتیب ها بر علیه خلق های مسلمان عرب و ما شین جنگی نژادپرستان آفریقا علیه اکثریت سیاه پوستان و نیز مردم تا میجا با نیت ما که ما شین جنگی توسط شاه به قارت داده می شود، به گردش در می آید. افتخار پرکارگران مبارز است که ما شین جنگی را در این تکجه گاه ها جان خود را از دست داده اند مردم، راه رهایی دیگر خلق ها را نیز هموار می کنند. ما میانه با زبان و دماغ و کت و پشیر و میهن پرست که از ما میانه مردم برخواستند و دست ما شین جنگی را در این تکجه گاه ها جان خود را از دست داده اند مردم، راه رهایی دیگر خلق ها را نیز هموار می کنند. ما میانه با زبان و دماغ و کت و پشیر و میهن پرست که از ما میانه مردم برخواستند و دست ما شین جنگی را در این تکجه گاه ها جان خود را از دست داده اند...

## بسیوی یک کودتای خونین می رویم؟

مبارزات نظامی و اقتصادی را بکنند و به اشغال عالی ترمیاز به دست باید. فشار شرایط میسبی مبارزه را بازم به پیش می دهد. به قول لنین "جنبش ارتجاع را اواد می کند که مقتضای خود را به آخرین حد برساند و بدین وسیله لحظه ای را که انقلاب نیز در به کار بردن وسایل تحریک آفرین خود را هدر دهد، بی اندازد نزدیک می نماید."

احزاب و سازمان های سیاسی رزمنده، به ویژه پنهانگان طبقه کارگر، اگر نخواهند صرفاً دنباله رو حوادث باشند، اگر نخواهند توسط حوادث فلفلسفی شوند، نه تنها باید درک مضمون حرکت های انقلابی جنبش، با محاسبه شمول نیروها، با کاندید کردن مسائل میهنی جامعه، بلکه در همین حال با شناخت و درک نیروهای خریبت دیده ارتجاع که علی رغم جوارحیت سیاسی که بران وارد شده، همچنان برپا ایستاده و از سر نو میاید دیوانه تر و خطرناکتر شده است، با توجه به عکس العمل طبیعی امپریالیسم و ابیادی داخلی آن، باید وسایل و ابزار و امکانات بقایه انقلابی با قهرمانان انقلابی را از طریق تدارک هرچه سریعتر، قاطع تر و همه جانبه تر ترمیاز کنند. جنبش انقلابی، همه گردان ها و عوامل آن، تاگزیر است در میان انواع احتمالات، به پیوستن شدن و همدم فوی ترمیاز کردن مبارزه مسلحانه توده واد کارمندان و کادریه های مبارزات انقلابی که همگام ترس آن نبردهای سیاسی گسترده و یکپارچه است ترمیاز عملی و جدی میباید داد. این تدارک قاطع و فوری باید با محاسبات همه جانبه و یکپارچه و راه اعتماد عملی گسترده ترمیاز می نیروهای ملی و دموکرات هر چه سریعتر، جنبش اتحادی چتر فادی می نیروهای سر سرجیش می کند و خود می نماید امکانات ترمیاز و پورت اسرار گسترده را تا حدی تعدیل می نماید و در صورت وقوع جنون ارتجاع و تهاجم فلفلسفانه آن - به هر نکلی - توان مقاومت و مقابله انقلابی مؤثر را آرا کیفیتاً با لایمی برد.

## ماهیت انقلاب ما و مساله انحصار طلبی

در آورند، تا با توضیح فکر کرده اند که "دامنه انحصار" به کدام یک از نیروهای واقعا موجود است و این است که "انحصار" چتر فادی می نیروهای واقعا موجود است و این است که "انحصار" چتر فادی می نیروهای واقعا موجود است و این است که "انحصار" چتر فادی می نیروهای واقعا موجود است...

تا بود با در زمین پوسیده شاهنشاهی برقرار با دموکراسی و عدالت و آزادیخواه و میهن پرست ارتش با خلق های مستعد و ایران مرکز برینا بر میهن فروش و غارتگر ارتش ایران را در دست در اختیار امپریالیست های آمریکا پس می گذاشته اند ما به پیروی می شویم، چون در راه آزادی و عدالت و خواست های مترقی مردم مبارز می کنیم زنده و برقرار با دموکراسی و دموکراتیک ایران نظامیان پیشرو و خواستار آزادی و مساوات

در زیر اعلامیه قطعنامه زیر که سروده افسر شهید توده ای سرگرد حعفر و گیلانی است، به چاپ رسیده است:

### اگس...

اگر امروز که ما در به خلاق سکوت بخشیم بر لب من قصه کوپا می آید اگر آتش همه روسیها نهاده کنی دفتر شمر مرا تا ندهد دستم چه بسا تا زهر سینه دیوار زینت شده راه دیوار گریه برینا با عامل رسوای ششاه اگر ای شاه و وزیران زوجه ای دار با بتا ز به سرم همدردی آدغور با کنی طعمه سرتیبه تنم راه صبار با که چون شمع میوزا نیم شترت تا با ز خاکستر من خنده زنده در زمان که بر سر پرتها فرماده، دون نفرت ما در اگر ای شاه من و همسر زبانی مرا در سر هدیه کنی چنگل زبیر مذاب با یکویی به سپاس بر سر سینه ما با زبون من و او مت شوی جای شراب صبح فردا پسر ما زبیرا ندهد سرود که به هو شایری حزب پدر ما درود

"این ادعای باید است، زبیرای آن بر شقیب بر درون ما فزینگی مفهوم اراده واحد" گذاشته شده است. اراده ممکن است، در موردی واحد باشد و در مورد دیگر نباشد. فقدان وحدت در صفا با سوسیالیسم و دموکراسی برای سوسیالیسم، مانع وحدت اراده در سبایل دموکراسی و در راه مبارزه برای جمهوری نمی گردد. فراموش کردن این موضوع به معنای فراموش کردن فرقی منطقی و تاریخی میان انقلاب دموکراتیک و سوسیالیستی است. فراموش کردن این موضوع یعنی فراموش نمودن جنبه همگانی انقلاب دموکراتیک است. زیرا: وقتی این انقلاب همگانی بود، در این صورت در زمان حدودی که این انقلاب موانع و تقاضای همگانی را برآورده می نماید، در همان حدود در آن وحدت اراده وجود دارد. (دوتا کنگدک دوسیل دموکراسی...)

۸- مرغ خون ۳

# سرنگونی استبداد سلطنتی، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ائتلاف ملی خواست همرم جنبش انقلابی مردم ایران است